

## مجلس هفدهم: رفتارشناسی علما با فرزندان

حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی فیروز مهر\*

### اشاره

بخش عمده شخصیت انسان، در کودکی و در خانواده شکل می‌گیرد. چگونگی رفتار با فرزند، امر ظریفی است که آینده او را می‌سازد. یکی از وجوه گوناگونی مردم، اختلاف در تأدیب، تلقین و عادت به رفتارهای نیکو یا زشت در دوران کودکی است. از این رو، گفته‌اند پدر حق دارد کودک خود را به آداب شرعی وا دارد و او را به انجام نیکی‌ها عادت دهد؛ چنان‌که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«اطفال را در هفت سالگی امر به نماز کرده، در نه سالگی برای [ترک آن،] تنبیه کنید.»<sup>۱</sup>

کودک، مانند موم است و به هر شکلی درمی‌آید. بنابراین، باید او را از همنشینی با افراد پست حفظ نمود و کرامت، شرف و امور نیک را در نظر او تحسین کرد و پستی و خواری و خست و امور مذموم را در نگاهش زشت نمود و او را به پرهیز از علایق و هوس‌های بی‌مورد دنیوی عادت داد. برخی حکما گفته‌اند: بخشی از سعادت انسان، این است که در کودکی کسی او را به هماهنگی با دین و شریعت عادت دهد؛ تا آنگاه که به بلوغ رسید و لزوم دین و شریعت را درک کرد، آن را مطابق عادت خود بیابد که در این صورت، با بصیرت قوی و نافذ به انجام آن می‌پردازد.<sup>۲</sup> امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در این باره فرموده است: «لقمان به فرزندش گفت: اگر در خردسالی تربیت و تأدیب شدی، در دوران بزرگسالی می‌توانی از آن بهره‌بری.»<sup>۳</sup>

عالمان ربانی با آگاهی از دوران حساس کودکی و با الهام از آموزه‌های دینی، همواره تلاش

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. ملاصدرا، اسرار الآیات، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴۱۹.

نموده‌اند مناسب‌ترین رفتار را با فرزندان خود داشته باشند که در این نوشتار، به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های سیره عالمان در مواجهه با فرزندانشان می‌پردازیم.

### مراقبت

یکی از مسؤلیت‌های مهم والدین، مراقبت از فرزندان است که شامل صیانت از سلامت جسمی و معنوی آنها می‌شود. در مراقبت از سلامت جسمی فرزندان، والدین به طور معمول در حد آگاهی و توانایی خود کوتاهی نمی‌کنند؛ اما گاهی در مراقبت از سلامت معنوی فرزندان خویش که مهم‌تر از سلامت جسمانی است، غفلت و کوتاهی می‌نمایند. خداوند خطاب به مؤمنان فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن، انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «پس از نزول این آیه، از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: چگونه خود و خانواده‌مان را حفظ کنیم؟ فرمود: عامل به خیر باشید و آن را به خانواده‌تان یادآوری کنید. پس ایشان را بر طاعت خدا تربیت کنید؛ قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ تَقَى أَنْفُسَنَا وَأَهْلِينَا؟ قَالَ: اِعْمَلُوا الْخَيْرَ وَذَكَّرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ فَأَذَّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ.»<sup>۲</sup> خیر در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله شامل: خیر در باورها، افکار، نیت‌ها، اخلاق و رفتار می‌شود. والدین در مراقبت از فرزندان خود، باید به امور ذیل توجه کنند:

۱. عالمانه و به طور ملموس، خطرها را به آنان گوشزد کنند. زهرا مصطفوی دختر امام خمینی رحمته الله علیه می‌گوید:

«یک بار آقا (امام خمینی) همه اهل خانه را صدا کردند و گفتند: من بنا داشتم، یک دفعه که همه با هم جمع هستیم، چیزی را به شما بگویم. بعد گفتند: شما می‌دانید آدم‌کشتن عمدی چقدر گناه دارد؟ گفتیم: بله! فرمودند: غیبت، بیشتر! بعد گفتند: شما می‌دانید فعل نامشروع و عمل خلاف عفت (زنا)، چقدر حرام است؟ گفتیم: بله! فرمودند: غیبت، بیشتر.»<sup>۳</sup>

۱. سوره تحریم، آیه ۶.

۲. بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۷۴۱.

۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۳/۱۷.

۲. به لحاظ اینکه فرزندان، عمده ویژگی‌های اکتسابی خویش را از رفتار والدین می‌گیرند، باید خود عمل‌کننده به خیر باشند تا فرزندان، نیکی‌ها را از ایشان ببینند و بشنوند. در احوال آیت‌الله قاضی طباطبایی نوشته‌اند:

«در این خانه (خانه آیت‌الله قاضی طباطبایی)، خبری از تحکم، جدیت و امر و نهی‌های خشک نیست. بچه‌ها رفتار را از پدر می‌آموزند و لازم نیست در هیچ‌کاری آنها را مجبور کنی. نماز پدر، بچه‌ها را به نماز می‌کشاند و احوال شبانه‌اش برای بیداری، مشتاقشان می‌کند؛ اما پدر که دوست ندارد فرزندان از کودکی به تکلف و مشقت بیفتند، به آنها می‌گوید: لازم نیست از الآن خودتان را به زحمت بیندازید و بچه‌ها که بارها زمزمه‌های عاشقانه وی و زلال جوشیده از چشمانش را در نیمه‌شب‌ها - وقتی «اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ» می‌خواند و «لَا هُوَ إِلَّا هُوَ» می‌گفته - دیده و شنیده‌اند، در حالات وی حیران می‌مانند.»<sup>۱</sup>

۳. کودکان و نوجوانان دارای فطرت پاک و خیرطلب هستند؛ چنان‌که پیامبر ﷺ فرمود: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَيُنَصْرَانِهِ وَيُمَجْسَانِهِ»<sup>۲</sup> هر نوزادی بر فطرت توحیدی متولد می‌شود و بر فطرت خود باقی است، تا والدین او را یهودی، مسیحی و مجوسی بار می‌آورند.»

بنابراین، والدین باید خیر و نیکی را به فرزندان یادآوری کنند، تا از تأثیر عوامل مزاحم شکوفایی فطرت پیشگیری شود. عالمان ربانی افزون بر حسّ پدری، به دلیل آگاهی از خیر و شر و عامل بودن به فرامین الهی، بسیار مراقب بودند که فرزندانشان به انحراف از خیر و نیکی که در فطرت آنهاست، کشانده نشوند. علی بهجت، پسر آیت‌الله العظمی بهجت، می‌گوید:

«[ایشان] مراقب بود بچه‌ها معصیت انجام ندهند. اگر کسی از دست بچه‌هایش ناراحت می‌شد، هرگز فراموش نمی‌کرد؛ حتی تا بیست سال بعد. یک بار به من فرمود: غذایی درست کن و به در خانه فلانی ببر. گفتم: می‌گویم ببرند. فرمود: نه؛ خودت ببر. من غذا را بردم و دو روز بعد، آن شخص از دنیا رفت. آن شخص چندین سال پیش از این، از من ناراحت شده بود و من یادم رفته بود و حالا که نزدیک مرگش بود، آقا این‌گونه فرمود.»<sup>۳</sup>

۱. مهدی محمدی صیفار، مشق عشق، ص ۸۶.

۲. قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳. مهدی محمدی صیفار، مشق عشق، ص ۱۰۲.

## محبت عادلانه

از نیازهای اساسی انسان در تمام دوران زندگی، نیاز به محبت است. اینکه انسان مورد مهر و محبت دیگران قرار بگیرد، یک نیاز روانی است که اصل آن، فراگیر، ثابت و تغییرناپذیر است؛ اما تأمین آن در سنین مختلف، متفاوت است. در ابتدا این نیاز به وسیله اعضای خانواده و خویشاوندان تأمین می‌گردد و در ادامه به تدریج، همسالان، دوستان و همکاران در پاسخگویی به این نیاز نقش ایفا می‌کنند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «قَالَ مُوسَى عليه السلام يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ؟ قَالَ: حُبُّ الْأَطْفَالِ فَإِنِّي فَطَرْتُهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي...<sup>۲</sup> موسی بن عمران عرض کرد: پروردگارا! کدام عمل نزد تو برتر است؟ فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا فطرت آنان را بر توحید و یگانگی خود آفریدم.»

اظهار محبت به فرزندان و رعایت عدالت در محبت به آنها، نقش مهمی در سلامت روحی و رشد معنوی ایشان دارد. فرزندی که از والدین محبت کافی نبیند یا در رفتارشان شاهد تبعیض در محبت باشد، شخصیت سالمی نخواهد داشت و ممکن است با کردار محبت‌آمیز کاذب از سوی دیگران، به انحراف کشیده شود. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب کسی که گفت: من ده پسر دارم و هیچ کدامشان را هرگز نبوسیدم، فرمود: «کسی که مهربانی نکند، مهربانی نمی‌بیند؛ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ.»<sup>۳</sup>

همچنین، در روایت آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وقتی مشاهده کرد مردی که دو پسر داشت، یکی را بوسید و دیگری را نبوسید، فرمود: «چرا برابری را میان ایشان رعایت نکردی؟ فَهَلَّا سَاوَيْتَ بَيْنَهُمَا؟»<sup>۴</sup>

علمای دین اولاً، در اظهار محبت به فرزندان بسیار دقیق بودند و ثانیاً، توجه داشتند که عدالت در محبت را رعایت کنند تا زمینه حسادت و کینه را میان ایشان به وجود نیاورند. درباره آیت‌الله سید بهاء‌الدین مهدوی نوشته‌اند:

«هنگامی که به منزل وارد می‌شدند، در سلام کردن بر همه حتی کودکان سبقت می‌گرفتند... به همه فرزندان به طور یکسان توجه می‌کردند و بین آنها تبعیضی قائل

۱. علی شریعتمداری، روان‌شناسی تربیتی، ص ۲۵۳.

۲. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۳.

۳. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۱۵۵.

۴. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۰.

نمی‌شدند. در تغذیه و تأمین احساسات و عواطف نیز با همه به روشی مشابه رفتار می‌کردند و متناسب با شخصیت هرکسی، به وی اقبال می‌کردند.<sup>۱</sup>

یکی از شاگردان آیت‌الله بهجت تعریف کرد:

«یک شب دختر کوچک‌ترم را نوازش کردم و بوسیدم و دختر بزرگم که خواب بود، نبوسیدم. در همان حال، لحظه‌ای در دلم خطور کرد که مبادا بیدار باشد و به جهت اینکه او را نوازش نکرده‌ام، ناراحت شود؛ [اما] اعتنایی نکردم. صبح اول وقت که خدمت آقا رسیدم، دقیقاً بعد از سلام، خطاب به بنده گفتند: ان‌شاءالله تسویه میان اولاد را که رعایت می‌کنید؟»<sup>۲</sup>

## احترام

احترام به فرزندان، در شکل‌گیری شخصیت سالم ایشان نقش وافر دارد و به او می‌آموزد که هنگام مواجهه با دیگران احترام و ادب را فراموش نکند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفُرْ لَكُمْ»<sup>۳</sup> فرزندان را احترام کنید و آداب خوب به ایشان بیاموزید، تا آمرزیده شوید.»

سیره عملی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این‌گونه بود که به بچه‌ها سلام می‌کرد و بر سر آنان دست می‌کشید و برای ایشان دعا می‌نمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرُورُ الْأَنْصَارَ فَيَسَلُّمُ عَلَى صِبْيَانِهِمْ وَيَمْسَحُ بِرُؤُوسِهِمْ وَيَدْعُو لَهُمْ»<sup>۴</sup>

علمای الهی با الهام از آموزه‌های دینی، در احترام به فرزندان توجه کاملی داشتند. یکی از فرزندان شهید بهشتی می‌گوید:

«بابا خیلی مهربان و مؤدب بود؛ حتی صحبت با کمال ادب و احترام را رعایت می‌کرد. وقتی می‌خواست صدایمان کند، «آقا» یا «خانم» را اول اسممان می‌آورد و ما را با الفاظ محبت‌آمیز «عزیزم»، «دخترم» و «پسرم» خطاب می‌کرد.»<sup>۵</sup>

۱. مهدوی، اسوه بندگی، ص ۱۸۸.

۲. مؤسسه فرهنگی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فریادگر توحید، ص ۲۰۸.

۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

۴. نسائی، فضائل الصحابة، ص ۷۲.

۵. زینب عباسی، سیره ستاره‌ها، ص ۹۰.

## پرهیز از اجبار

روح انسان، به‌ویژه روح بچه‌ها، از اجبار بی‌مورد گریزان است و هرگاه احساس کنند که به ایشان اجبار می‌شود، واکنش نشان می‌دهند. در دین اسلام، دخترها تا نُه سالگی و پسرها تا پانزده سالگی، از تکالیف اجباری معاف‌اند. این بدان جهت است که تا درک درست و توانایی برای انجام کاری وجود نداشته باشد، تحمیل و اجبار، کارساز نیست. در آموزه‌های دینی، فرزند تا هفت سالگی باید سروری کند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «فرزند، هفت سال سرور است، هفت سال، فرمان‌بردار و هفت سال، وزیر و کمک‌کار است؛ **أَلَوْلَدٌ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ**»<sup>۱</sup>

در سنین تکلیف نیز باید از اجبار بی‌مورد فرزندان دوری کرد. عالمان ربانی با آگاهی از توان پذیرش فرزندان، از اجبار امور دینی و غیردینی بر آنان پرهیز می‌کردند. یکی از فرزندان علامه حسن‌زاده آملی می‌گوید:

«[ایشان] به هیچ‌وجه اهل اجبار نبودند؛ نه در تحصیل علوم و نه حتی در مسائل سلوکی؛ فقط از ما می‌خواستند که واجبات را ترک نکنیم؛ تنها بر این مسئله تأکید داشتند.»<sup>۲</sup>  
سید صاحب خوبی، فرزند آیت‌الله خوبی، می‌گوید:

«اوایل سال ۱۳۵۲ جهت ادامه تحصیل هم‌زمان در حوزه و دانشگاه، قصد عزیمت از عراق به ایران را داشتیم؛ اما مرحوم آقا (آیت‌الله العظمی خوبی) تمایل داشتند که بمانم و تحصیلاتم را در حوزه نجف ادامه دهم. من علاقه‌مند به دانشگاه بودم و ایشان با توجه به روحیه‌ای که داشتند، هیچ‌وقت مسئله‌ای را اجبار نمی‌کردند و تنها در فرصت‌هایی که پیش می‌آمد، نصیحت می‌فرمودند. یک روز از خدمت ایشان از کوفه به نجف می‌آمدیم و آقامیرزا جواد هم در ماشین بودند. آقا نصیحت می‌کردند که از سفر منصرف شوم. مرحوم آقامیرزا جواد گفتند: چرا این قدر از این جوان تقاضا می‌کنید؟ آقا فرمودند که: من می‌خواهم با علاقه این کار صورت گیرد و نمی‌خواهم به اجبار و اکراه او را وادار به کاری کنم؛ زیرا کار با اجبار و اکراه، نتیجه مطلوب ندارد.»<sup>۳</sup>

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۲.

۲. مهدی محمدی صیفار، مشق عشق، ص ۸۷.

۳. همان، ص ۸۸.

## بازی با بچه‌ها

با بچه‌ها باید بچگی کرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ كَانَ لَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ؛<sup>۱</sup> هرکس با کودک سروکار دارد، با او کودکانه رفتار کند.» پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رفتارهای خود نشان می‌داد که با بچه‌ها باید بچگی کرد. جابر می‌گوید: «حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیدم و دیدم حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام بر پشت حضرت سوار شده بودند و آن حضرت بچه‌ها را بر پشت خود حمل می‌کرد و می‌فرمود: شتر شما، خوب شتری است و شما نیز خوب سوارانی هستید؛ دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ عَلَى ظَهْرِهِ وَهُوَ يَجْتُو لَهُمَا وَيَقُولُ: نِعَمَ الْجَمَلُ جَمَلُكُمَا وَنِعَمَ الْعَدْلَانِ أَنْتُمَا.»<sup>۲</sup>

عالمان ربانی در رفتار با کودکان، کودکی می‌کردند؛ از جمله فرزندان علامه محمدتقی جعفری در خصوص رفتار پدرشان گفته‌اند:

«با بچه‌هایش بگو بخند داشت. با ما گردش می‌رفت و وقتی کوچک بودیم، با ایشان الک دولک و توپ بازی می‌کردیم و در داخل خانه به معنای [واقعی] کلمه، پدر بودند؛ اما وقتی طبقه بالا در کتابخانه‌شان بودند، مستمر درگیر فعالیت‌های علمی می‌شدند.»<sup>۳</sup>

## آموزش

یکی از حقوق فرزند، این است که بایسته‌های زندگی را آموزش ببیند. این حق فرزند، بیش از هرکسی، متوجه والدین است. در آموزش فرزندان، چند محور مهم قابل توجه است:

### ۱. آموزش قرآن

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدَةِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمَّهُ وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَيُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَيُطَهِّرَهُ وَيُعَلِّمَهُ السَّبَاحَةَ وَإِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمُّهَا وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَيُعَلِّمَهَا سُورَةَ النَّوْرِ...»<sup>۴</sup> حق فرزند بر پدر، در صورتی که پسر باشد، آن است که مادرش را مسرور گرداند و نام او را نیکو قرار دهد و کتاب خدا را به او بیاموزد و او را پاکیزه نگاه دارد و شناکردن را به او تعلیم دهد؛ اما اگر دختر باشد، این است که مادرش را خشنود گرداند و نامش را

۱. صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۴.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۸۵.

۳. مهدی محمدی صیفار، مشق مهر، ص ۱۰۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

نیکو نهد و سوره نور را به او تعلیم دهد.»

دختر آیت‌الله سید محمدحسن الهی<sup>۱</sup> درباره پدرش می‌گوید:

«خیلی ساده، ولی ما را قانع می‌کردند. یادم می‌آید کوچک بودم که قرآن آوردم تا به من یاد بدهند. یک آیه خواندند و گفتند: اگر این آیه را بخوانی و دقت کنی، می‌توانی همه را یاد بگیری و این طور هم شد. حرفشان را به راحتی به ما می‌گفتند و با زبان ساده به ما یاد می‌دادند. ما هم قبول می‌کردیم.»<sup>۲</sup>

## ۲. آموزش فرایض دینی

امام علی علیه السلام فرمود: «به فرزندان نماز را آموزش دهید و در هشت سالگی آنها را برای نماز مواخذه کنید؛ عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَحُدُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانِي سِنِينَ.»<sup>۳</sup>

فرزند آیت‌الله انصاری همدانی می‌گوید:

«تمام فرایض را خودشان (آیت‌الله انصاری همدانی) به ما تعلیم می‌دادند و حتی احکام سنین بلوغ را. خودشان حمد و سوره ما را تصحیح می‌کردند. به من می‌گفتند: نماز اول وقت را از دست نده. گفتم: چرا؟ گفتند: هم إسقاط تکلیف است، هم فضیلت دارد. البته تو برای فضیلت نخوان، قصد تو تقرب باشد.»<sup>۴</sup>

## ۳. آگاهی دادن در مورد اعتقادات و سلوک دینی

این امر، به خصوص اگر فرزند در معرض افکار ناصحیح قرار داشته باشد، ضرورت بیشتری می‌یابد. امام علی علیه السلام فرموده: «به فرزندان از علوم ما اهل بیت چیزی بیاموزید که از آن بهره ببرند و تحت تأثیر افکار [غلط فرقه‌هایی چون] مُرَجَّئَه قرار نگیرند؛ عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبُ عَلَيْهِمُ الْمُرَجَّئَةُ.»<sup>۵</sup>

---

۱. مرحوم آیت‌الله سید محمدحسن الهی علیه السلام، برادر مرحوم علامه طباطبایی علیه السلام است. مرحوم الهی، از اعظام شاگردان آقاسید علی آقا قاضی علیه السلام بود. در عظمت مرحوم الهی همین بس که مرحوم علامه با این همه بزرگی و عظمت که تفسیر، عرفان، فقه و فلسفه را جمع کرده بودند، در مورد برادرش می‌فرمود: «من گاهی از برادر استفاده می‌کنم...»

۲. شمس الشموس، الهیه، ص ۷۲.

۳. شیخ صدوق، الخصال، ص ۶۲۶.

۴. مهدی محمدی صیفار، مشق مهر، ص ۱۲۸.

۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۰۴.



دختر شهید بهشتی می گوید:

«هنگامی که به آلمان رفتیم، ده سال بیشتر نداشتم و تازه به سن تکلیف رسیده بودم. در آن جامعه بی بندوبار، تقید به حجاب و رعایت موازین اسلامی برای یک دختر نوجوان که مورد آزار هم‌سن‌وسال‌هایش بود، بسیار دشوار به نظر می‌رسید؛ اما پدر با آگاهی دادن به من و مقایسه بین مسیحیت و اسلام و آزادی دختران در اسلام، باعث شدند که در آن موقعیت دشوار، با اعتقاد به حفظ حجاب و رعایت دستورات شرعی، شیوه صحیح را بیابم و بدان پایبند بمانم.»<sup>۱</sup>

---

۱. مهدی محمدی صیفار، مشق مهر، ص ۹۲.